

حکایت حسین قلی خان و فوتبال اردبیل

حسین قلی خان یکی از خوانین لرستان بود. سرکش و مردم آزار و جسور. همه از دست او شکایت داشتند. چندان که سلطان صاحبقران، ناصرالدین قاجار خبردار شد، خواست او را عزل کرده به زنجیر کشد.

مشاوران گفتند صلاح نیست و رای بر این قرار گرفت که او را با عزت دعوت کرده و در تهران حسابش را برسند. خان لر با سواران خود راهی تهران شد به شهر ری رسید. با انبوه جمعیتی روبرو شد که جلوی دکه ای غوغا می کردند. پرسید چه خبر است و هیاهو برای چیست؟ گفتند نان نایاب است و دکان نانوائی نان نمی پزد. پیش رفته از نانوا علت را پرسید: گفت آرد ندارم. گفت خودت را آرد می کنم. فرمان داد تا نانوائی بدبخت را سرنگون به تنور انداختند. آنگاه همه را گفت این است سرنوشت نانوائی که نان نمی پزد. هنوز ظهر نشده بود که روی پیشخوان تمام نانوائی های شهر ری تا شمیرانات نان تلمبار شد و خریداری نداشت .

خبر به سلطان بردند که مسئله نان حل شد . پرسید چگونه ؟ گفتند با حکمت حسین قلی خانی. شاه سیلی جنباند و بر خان احسن گفت. او را خلعت داده راهی لرستان کرد تا هر چه بخواهد با مردم نگون بخت بکند.

حال وضعیت فوتبال ما هم گویا با حکمت حسین قلی خانی اداره می شود. یکی می گوید من رئیس و فرمانده کل فوتبال اردبیل هستم و همه باید از من هدایت بکنند و نمی توانند غیر از حرف من حرفی بزنند و سخنی بر زبان جاری کنند.

یکی دیگر می گوید ریاست فعلی بر هیات غیر قانونی است و نباید او همچنان سکاندار هدایت باشد و باید میز ریاست و کاخ حافظ را ترک کرده و فوتبال را به حال خود رها نماید.

در شهرستان ها نیز حکمت حسین قلی خانی حاکم شده است. در مشگین شهر می گویند رئیس هیات به ندرت در هیات حضور پیدا می کند و اتاق او را اداره از دستش گرفته و او نیز قصد شکایت از اداره را دارد. در دیگر شهرستان ها نیز امور کاملاً بر وفق مراد نیست و همچنان مشکلاتی مابین هیات های حامی استان و اداره ورزش و جوانان

وجود دارد. آیا این ها دلیلی بر حاکمیت روش حسین قلی خانی در فوتبال ما نیست.

چه بگوییم و چه بکنیم که حضرات مدعی و آقایان پر طمطراق بیایند و تکلیف فوتبال ما را روشن بکنند و دامن این ورزش را از چند دستگی، خود محوری، غرور، رفتارهای ناشایست، اقدامات جانبدارانه، رفتار های تبعیض آمیز، بی تکلیفی و سرگردانی و چند دستگی نجات بدهند و تکلیف همه را روشن بکنند و جایگاه هر فردی را نشان بدهند و اجازه ندهند عده ای برای حفظ موقعیت خود تیشه به ریشه فوتبال و ورزش بزنند و با داد و بیداد و دوختن زمین و آسمان به هم فقط خود را محق جلوه دهند و دیگران و منتقدان خود را نفهم و کج اندیش و دشمن ورزش و فوتبال به حساب آورند.

بیایید به بحث خودی و غیر خودی در فوتبال و تشکیلات مدعی اداره آن پایان بدهیم و با خواست افکار عمومی حرکت کنیم و بر خلاف جریان آب شنا ننماییم و در همه حال خدا را در نظر بگیریم و برای توجیه رفتارهای غلط حقایق را زیر سوال نبریم و دیگران را به خاطر خود و اطرافیانمان قربانی نکرده و در همه حال خدا را بر اعمال و رفتار و گفتار ناظر ببینیم.

هر کس به هر ترتیبی که دلش بخواهد مختار است که در مورد نوشته های ما قضاوت بکند و با یک مطلب به سراغ دوستان خود برود و ما را عامل دو دستگی و اختلاف معرفی کرده و تلاش بر تبرئه خود و دوستانش داشته باشد ولی افکار عمومی و مردم بهترین قاضی هستند. ما می گوییم در فوتبال ما وحدت و یک دلی باید حاکم باشد و منطق جای زور و مشت را بگیرد و همه دست اندرکاران فوتبال استان از مرکز استان تا کوچکترین بخش آن به یک چشم دیده شوند و عدالت در همه موارد و برای همه اجرا بشود. اگر این حرف ها می تواند دودستگی به دنبال داشته باشد ما تسلیم هستیم و مطمئنا اگر به این نتیجه نیز برسیم از جامعه ورزش عذر خواهی خواهیم کرد.

در نظر است به مرور برخی از رفتارهای دوگانه در فوتبال اردبیل را مورد بحث و بررسی قرار بدهیم و مطمئنا در پایان این بحث ها عاملین درماندگی فوتبال و خائنین به آن و دامن زنندگان به اختلاف روشن خواهد شد و در نهایت روسیاهی به زغال می ماند و بس.